



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در این بود که آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر آیه ۲۰۰ از سوره آل عمران که آخرین آیه ی این سوره است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ ۵۰ صفحه مطلب نوشته اند، مطلب دوازدهم این بود که انسان یک موجود اجتماعی است لذا ما باید ببینیم چه کسی مدیریت این مجتمع را باید به عهده بگیرد؟ می توان گفت همان طور که پیکر انسان یک مجتمعی است و هر عضوی از اعضاء را خداوند در جای خاصی قرار داده مجتمع انسانی نیز یک مجتمعی است که خداوند خواسته آن را خود انسان ها بسازند، عبارت ایشان است: «ويستفاد من الجميع أن الدين صبغة اجتماعية حمله الله على الناس ولا يرضى لعباده الكفر ولم يرد إقامته إلا منهم بأجمعهم فالمجتمع المتكون منهم أمره إليهم من غير مزية في ذلك لبعضهم ولا اختصاص منهم ببعضهم والنبي ومن دونه في ذلك سواء»^۲، مثلا در اروپا طبق افکار خودشان یک مجتمع لیبرالیست می سازند و یا بعضی ها طبق افکار خودشان یک مجتمع لائیک و یا سکولار می سازند.

گفتیم که در توضیح کلام ایشان باید به چند نکته توجه داشته باشیم؛ اول اینکه مردم و مجتمع خیلی نقش دارند، هر کسی یک شخصیت خاصی دارد حالا اگر اینها جمع شوند آیا مجتمع اینها نیز شخصیت خاصی دارد؟ بله آیت الله مطهری نیز در کتابهایشان فرمودند که اجتماع یک شخصیت جدیدی غیر از کل فرد فرد دارد حتی وقتی ما به مناطق مختلف می رویم می بینیم که مثلا شخصیت و فرهنگ اجتماعی شیرازی ها غیر از اهوازی ها است و شخصیت اجتماعی اهوازی ها غیر از همدانی ها و همدانی ها غیر از مازندرانی ها می باشد از اینجا معلوم می شود

وقتی افراد اجتماع باهم زندگی می کنند افکارشان در نتیجه برخورد و پیوند و مجالست با هم یک فکر و شخصیت خاصی را بوجود می آورد خب حالا اسلام خواسته طبق آیات قران یک امت یک رنگ و دارای شخصیت اجتماعی بوجود بیاورد به صورتی که سبقت آنها دینی و شرعی و اسلامی باشد به صورتی که اگر کسی از جوامع دیگر بین آنها آمد احساس کند که در بین آنها دین سبقت دارد، حالا ایشان می فرماید اسلام این وظیفه را به عهده خود مردم گذاشته است یعنی مردم مسئول هستند که با اراده و سعی و کوشش جامعه و حکومتی بسازند که در واقع طراحی آن با خداوند متعال می باشد.

خوب و اما عرض کردیم که آیات قران در اینجا چند دسته می شوند؛ دسته اول ۱۵ مرتبه "يا أيها الناس" و دسته دوم ۹ مرتبه "يا أهل الكتاب" و دسته سوم ۸۵ مرتبه "يا أيها الذين آمنوا" دارند، خب می بینیم که خداوند متعال بیشتر از همه اهل ایمان را مورد خطاب قرار داده است و وظائف آنها را معین کرده که یکی از آن وظائف قیام برای تشکیل اجتماع و حکومت اسلامی می باشد، حالا برای نمونه از هر کدام چند آیه می خوانیم:

آیه اول: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ لو اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِن يُسْئَلُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَ الْمَطْلُوبِ﴾^۲.

ترجمه: ای مردم (دربارہ شما و بت هایتان) مثالی زده شده پس بدان گوش فرا دهید: همانا کسانی که به جای خدا می خوانید هرگز مگسی هم نتوانند آفرید هر چند بر آن اجتماع کنند ، و اگر مگسی از آنها چیزی برباید آن را از وی بازپس نتوانند گرفت ، طالب و مطلوب هر دو ناتوانند (مشرکان طالب و بتان مطلوب ، مگسان طالب و ربوده های مطلوب ، بتان طالب و مگسان مطلوب).

خداوند متعال در این آیه قدرت خود و نا توانی مردم را بیان می کند، ذباب حیات دارد و احیاء و اماته فقط در

^۱ سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

^۲ تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۴، ص ۱۲۲.

^۳ سوره حج، آیه ۷۳.

حق را می بینند ولی مثلا ایران را متهم می کنند به نقض حقوق بشر و امثال ذلك، پشت سر این آیه اینطور ذکر شده: ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۴، این در واقع یک نقشه ی مغرضانه و منافقانه بود تا در بین مسلمانان سستی بوجود بیاورند و در نتیجه پیغمبر را شکست بدهند و از بین بردارند.

اگر ما بخواهیم درست بحث کنیم باید اینطور بگوئیم که اسلام می خواهد یک مجتمع انسانی بسازد که دارای ابعاد مختلفی است، یک بُعد اقتصادی است و یک بعد سیاسی و یک بعد فرهنگی و یک بعد نظامی است که تمام اینها در زندگی انسان نیاز است لذا ما ناچاریم که یک یک اینها را جداگانه مورد بحث قرار بدهیم، مثلا بُعد اقتصادی مربوط می شود به اینکه نباید ربا خواری کرد و کم فروشی کرد و امثال ذلك، سید محمدباقر صدر کتابی به نام "اقتصادنا" دارد که قبلا در حوزه بیشتر مورد توجه بود، در این کتاب در مورد اقتصاد از جهات مختلف بحث شده است؛ اولاً منابع تولید ثروت، در اسلام ما انفال داریم که یکی از منابع تولید ثروت است و خداوند متعال آن را در اختیار پیغمبر و امام قرار داده است و بعد در اختیار فقیه جامع الشرائط که جانشین آنها می باشد، تمام معادن و اراضی موات و دریاها و سواحل دریاها و کل ارضی لاربها همگی جزء انفال می باشند که خداوند متعال آنها را ملک شخصی کسی قرار نداده بلکه ملک ولی و مدیر قرار داده لذا با یک برنامه صحیح باید طوری مدیریت شوند که فقر و گرانی از بین برود و یک رفاهی از نظر اقتصادی برای مردم بوجود بیاورد، این خودش یک بحث بسیار مهم اسلامی می باشد لذا ما ناچاریم برای اینکه بچثمان مستوفی و کامل شود جداگانه وارد این بحث ها بشویم.

بقیه بحث بماند فردا إن شاء الله تعالی... .
والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

شأن خداوند متعال است و انسان هر قدر هم قدرت پیدا کند نمی تواند بمیراند و بعد زنده کند و در آیات مختلفی این مطلب ذکر شده است و دلیلش را خود خداوند اینطور ذکر کرده: ﴿فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُمُومَ (۸۳) وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ (۸۴) وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (۸۵) فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (۸۶) تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۸۷)﴾^۵، در اول خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه نیز کیفیت مردن انسان ذکر شده است.

خداوند در آیه بعد می فرماید: ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۶.

بنده یادم هست که یک روز صبح که به درس آیت الله طباطبائی می رفتیم ایشان فرمودند من دیشب خوابیدم، یک کتابی تازه به دستم رسیده بود که دو مرتبه آن را مطالعه کردم شما نیز بروید آن را بخريد و مطالعه کنید، کتاب مذکور کتاب "راز آفرینش انسان" بود که کتاب بسیار خوبی برای خداشناسی می باشد، مثلا در فصلی از آن ذکر شده انسانهایی که بعد از تشریح نطفه در سطح زمین زندگی می کنند در آن زمانی که ژن بودند به قدری ریز و کوچک بودند که اگر تمام انسان هائی که الان روی کره زمین هستند و تعداد آنها به میلیاردها می رسد را در یک انگشت دانه می ریختیم پر نمیشد، بعد به حیات می رسد که بجنهای فراوانی دارد خلاصه اینکه حیات و ممت در قبضه قدرت خداوند متعال می باشد.

آیه دوم: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الَّذِي يَأْتِيكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْحَقِّ وَتَعْتَدُونَ﴾^۷.

خوب و اما نمونه هائی از خطاباتی که در آنها "یا اهل الكتاب" بکار رفت است را نیز ذکر می کنیم:

آیه اول: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۸، خب الان نیز همینطور است و آنها

^۴ سوره واقعه، آیه ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷.

^۵ سوره حج، آیه ۷۴.

^۶ سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

^۷ سوره آل عمران، آیه ۷۱.

^۸ سوره آل عمران، آیه ۷۲.